



عوامل تحکیم بنیان خانواده از دیدگاه اسلام

سیده زهرا بهرامی^۱، اسماعیل نمازی^۲

^۱ مدرس دانشگاه پیام نور بجنورد، Faba6805@gmail.com

^۲ آموزش و پرورش خراسان شمالی، اسفراین، Faba6805@gmail.com

چکیده

خانواده رکن اساسی جامعه اسلامی است. پرداختن به این بنای مقدس بنیادین و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی خود، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن موجب دور شدن از حیات حقیقی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است. بنابراین هرچه بیشتر باید در جهت نیل به سعادت‌مندی آن کوشید که دستیابی به این مهم تنها از طریق شناسایی کامل عوامل تحکیم بنیان خانواده امکان پذیر است. اسلام که در بردارنده برنامه سعادت و تکامل بشر است، عنایت ویژه‌ای به سلامت، رشد و پویایی این نهاد سرنوشت ساز دارد.

در این مقاله ضمن معنانشناسی خانواده و بیان اهمیت و ضرورت بحث، به مهم‌ترین عوامل تحکیم بنیان خانواده پرداخته شده است. از جمله؛ ازدواج و درست بودن مقدمات آن، فرهنگ و محیط اجتماعی، وضعیت اقتصادی خانواده، توجه به جایگاه خانواده، مدیریت خانواده، حسن معاشرت، پایبندی اخلاقی، همکاری و مشورت با یکدیگر، آشنایی اعضا به وظایف و حقوق خود.

واژه‌های کلیدی: خانواده، عوامل تحکیم بنیان خانواده، جامعه اسلامی

۱- مقدمه

یکی از محیط‌هایی که انسان اغلب از آغاز تا پایان زندگی با آن رابطه تنگاتنگ و سرنوشت ساز دارد کانون خانواده است. اسلام بعنوان یک مکتب انسانی ساز بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت و مهد مودت و رحمت می‌شمرد و سعادت و شقاوت جامعه انسانی را منوط به صلاح و فساد این بنا می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمارد. (بهشتی، احمد، ۱۳۶۱)

بدون خانواده، نه تنها هویت انسانی بشر نابود می‌شود بلکه همه تلاش‌های فردی و اجتماعی نیز در حقیقت بی‌ثمر و نافرجام خواهد ماند. از این‌روست که، ملت‌هایی که در آستانه فروپاشی خانواده قرار گرفته‌اند، درصدد حفظ این نماد مهم برآمده و با خانواده‌های جایگزین نظیر خانواده‌های تک نفره، خانواده‌های هم جنس (زندگی هم جنس بازان) و شبیه به این، با این بحران جدی مقابله می‌کنند. غافل از آنکه خانواده از نظر جامعه شناختی باید در هر شرایطی سه کارکرد اصلی خود را حفظ کند. «طبق نظریه‌های قدیمی که هنوز هم اعتبار دارد خانواده سه وظیفه عمده دارد: یکی مسایل جنسی است که در خانواده باید حل شود؛ دیگر فعالیت خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی و بالاخره پرورش کودکان است که از وظایف مهم خانواده به شمار می‌آید.» (فرجاد، ۱۳۶۳: ص ۲۰)

پیوند زناشویی، امری غریزی و از نیازهای اولیه و اساسی انسان است و نیازی به آموزش و محرک خاصی ندارد، اما تداوم این پیوند و داشتن روابطی صحیح که به پایداری خانواده منجر می‌شود، نیازمند آموزش و عنایتی ویژه از سوی متولیان و دلسوزان جامعه است.

قرآن کریم، به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دست یابی به حیات طیبه، بخش عظیمی از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط انسان خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. رجوع به این آیات الهی، می‌تواند انسان را جهت دستیابی به عالی‌ترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند.

لذا تحکیم روابط خانواده از جمله مهم‌ترین مسائل در سلامت و رشد فرد، همچنین پویایی و توسعه هم‌جانبه در جامعه است.

۲- معنانشناسی خانواده

تاکنون تعاریف گوناگونی برای خانواده ارائه شده است:

«خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند، فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاصی زندگی می‌کنند.» (منصور قنادان، ۱۳۷۵: ص ۱۴۸)



«خانواده گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خورده‌اند و کارکرد اجتماعی اصلی آنها تولید مثل است.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ص ۱۳۵)

پس خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است؛ یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد. قوام این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد. بنابراین جهت تعالی کارایی خانواده لازم است بر تحکیم پیوند و روابط اعضای خانواده تأکید شود.

۳- اهمیت تحکیم خانواده

اهمیت پرداختن به موضوع «تحکیم خانواده» ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. یکی از محیط‌هایی که انسان اغلب از آغاز تا پایان زندگی با آن رابطه تنگاتنگ و سرنوشت ساز دارد، کانون خانواده است.

خانواده بنیادی‌ترین نهاد در جامعه انسانی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را برعهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده را تحکیم بخشند و افرادی با ایمان در آن پرورش دهند، نمی‌توانند جامعه‌ای ایده آل برای نسل آینده بسازند و به اهداف متعالی خود نمی‌رسند. مقصود از تحکیم خانواده؛ فراگیری اصلی اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضاست. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن، «سکونت و آرامش اعضا» است، لازم است که همه رفتارها و تعامل‌ها در راستای تحقق این هدف باشد.

۴- عوامل مؤثر بر تحکیم روابط خانواده

عوامل فراوانی در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند که در ذیل به مهم‌ترین آنها پرداخته شده است.

۴-۱- ازدواج و دوست بودن مقدمات ازدواج، گام نخست در تشکیل و استحکام خانواده

یکی از نشانه‌های الهی آن است که هر فردی از بشر در برابر خود از نوع خود جفتی می‌یابد تا مساله توالد و تناسل صورت گیرد و آنها به گونه‌ای آفریده شده‌اند که محتاج یکدیگرند و هر یک با دیگری به کمال خود می‌رسد و این همان میل جنسی است که خداوند آن را در وجود دو نفر به امانت نهاده است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۱۸)

اسلام با تشویق به تشکیل خانواده که بهترین وسیله برای حفظ عفت عمومی است، به ندای فطرت پاسخ مثبت می‌دهد و زناشویی را یگانه وسیله پیدایش فرزندان درستکار و حفظ بقای نوع شناخته است و نه تنها مشکلی در سر راه این امر طبیعی ایجاد نمی‌کند، بلکه از این نیروی طبیعی به سود اجتماع و برای زندگی فردی بهره برداری می‌نماید و علاوه بر اینکه به آرامش جسمی در زندگی زناشویی توجه دارد، می‌خواهد یکی از پایه‌های سعادت آدمی که آرامش روحی، اخلاقی و فکری است نیز در سایه پیوند ازدواج تأمین سازد. اینکه پیوندهای زناشویی در عصر ما آنقدر سست و بی‌دوام گردیده که در برابر حوادث بی‌ارزش و کوچک به آسانی از هم می‌گسلد، بدین علت است که در اینگونه ازدواج‌ها به واقعیت‌های زندگی توجه نمی‌شود و این پیوندها به دنبال یک سلسله رویاها و افکار کودکان و متصورات خام بسته می‌شود. (حسن زاده، ۱۳۹۲، ص ۶۸-۴۵)

یکی از عوامل مؤثر در تحکیم خانواده، خالی بودن پیشینه ازدواج و مقدمات آن از خلل و فساد است. هرچه نور خدا، نور محبت و صداقت در این پیشینه شعله ورتر باشد، امید این که این نور در سراسر زندگی مشترک زوجین تجلی کند، بیشتر است.

در بسیاری از ازدواج‌های ناموفق، مقدمات غلط و نایجابی وجود داشته که بدر کدورت‌ها را حتی قبل از ازدواج ایجاد کرده است. در ذیل به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱) رضایت زوجین نسبت به اصل ازدواج

اگر در اندیشه یکی از زوجین، ناخشنودی نارضایتی از اصل ازدواج وجود داشته باشد، این عامل، تأثیرات منفی بسیاری در زندگی مشترک باقی خواهد گذاشت. هم چنین اگر این خشنودی و رضایت، رضایت الهی نباشد، باز هم این ازدواج، ریشه مستحکمی نخواهد داشت. حضرت فاطمه (س) رضایت خود را از ازدواج با علی (ع) اینگونه اعلام می‌فرماید: «رضیت بمرضی الله و رسوله» (دشتی، ۱۳۷۵: ص ۲۹)، «من به آنچه که خدا و رسول خدا (ص) راضی‌اند، راضی و خشنودم.»

۲) رضایت خانواده از ازدواج

یکی دیگر از عوامل مؤثر در تحکیم خانواده این است که هر دو خانواده به ازدواج فرزندشان راضی باشند. هر چه این رضایت به لحاظ کمی و کیفی عمیق‌تر باشد، این ازدواج از ضمانت و کفالت بیشتری برخوردار خواهد بود.

۳) عدم توجه به ارزش‌های باطل و دروغین در مراسم ازدواج

از دیگر عوامل مؤثر در استحکام خانواده، عدم توجه به ارزش‌های باطل و دروغین در مقدمات ازدواج، نظیر تعیین مهریه، تهیه جهاز، برگزاری مراسم ازدواج و... است.



۴) دعا و صدقه در ازدواج

دعا و صدقه در ازدواج از عوامل بسیار مهمی هستند که می‌توانند یک ازدواج را بیمه کنند. دعا و صدقه در روایات و احادیث، به منزله سپری معرفی شده‌اند که بلاها را دفع می‌نمایند.

۴-۲- فرهنگ و محیط اجتماعی

فرهنگ و نحوه زیست هر فرد، از اولین عوامل مؤثر در روابط او می‌باشد. صبوری، مدارا، حفظ عفت، پابندی به خانواده و همسر یا برعکس پرخاشگری، عدم سازش، طغیانگری و بی‌بند و باری از ویژگی‌هایی است که خانواده‌ها تا حدود زیادی از محیط خود می‌آموزند. بنابراین یکی از عوامل مؤثر در تحکیم روابط خانواده، داشتن محیطی سالم و هدایتگر است. تأکید اسلام بر طهارت محیط، حفظ حدود الهی در جامعه و صیانت از فرهنگ اجتماعی از طریق امر به معروف و نهی از منکر، همه به دلیل تأثیر قهری مفسد بر فرد و خانواده است. این نکته مهم از آیه کریمه «کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر...» (آل عمران، ۱۱۰) به دست می‌آید که خداوند امت مسلمان را به شرط امر به معروف و نهی از منکر، بهترین امت می‌نامد؛ زیرا اصلاح محیط، از وظایف واجب مسلمین است.

۴-۳- وضعیت اقتصادی خانواده

میزان درآمد و رفاه نسبی خانواده از دیگر عوامل مؤثر در روابط خانواده است.

اقتصاد ضعیف، خانواده فقیر در پی خواهد داشت و روابط در خانواده فقیر با خانواده بی‌نیاز متفاوت است. در چنین خانواده‌هایی، تلاش پدر به تنهایی جوابگو نیست، مادر مجبور به کار در خارج از منزل است و گاه فرزندان نیز وارد بازار کار می‌شوند. اشتغال مادران و جدایی آنان از کودکان در سنین مختلف از عواملی است که به نحای مختلف در روان کودک و تعادل رفتاری وی مؤثر می‌باشد. از دیدگاه بسیاری، سپردن کودکان به سازمان‌های خاص، آن هم در زمانی که کودک بیشترین نیاز را به مادر دارد، موجبات بروز نابسامانی‌های روانی خاصی را در بزرگسالی فراهم می‌آورد. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ص ۱۷۲)

عدم حضور مادر در مدت زمان طولانی، به تنظیم روابط و اداره منزل لطمه می‌زند و در انهدام خانواده بی‌تأثیر نمی‌باشد. اقتصاد در روابط خانواده‌های غنی نیز به گونه‌ای دیگر تأثیرگذار است. در این قشر نیز اگر داشتن ثروت و امکانات رفاهی فراوان، همراه با فرهنگ سازی نباشد، سرگرمی افراد به تامين خواسته‌های متنوع خود در داخل و خارج از منزل، موجبات از هم گسیختگی روابط را فراهم می‌آورد. نتیجه آنکه اوضاع اقتصادی جامعه، در تنظیم و تعدیل روابط خانواده مؤثر است. چنان چه خانواده‌ها از حیث درآمد، پاسخگوی نیازهای خویش باشند و فرهنگ صحیح روابط را آموخته باشند و به کار گیرند، فرصت رفع نیازهای روحی و عاطفی خود را در خانواده پیدا خواهند کرد که به تحکیم روابط آنان خواهد انجامید.

۴-۴- مدیریت خانواده

بهترین نمود مدیریت خانواده، در تثبیت نقش هاست. در سایه ازدواج، موقعیت هر فردی تعیین می‌شود و زن و مرد مسلمان باید بپذیرد که نسبت به دیگری حقوقی دارد و در قبال آن وظایفی را متعهد می‌شود. مرد همسر و پدر خانواده است و حق همسری و پدری دارد؛ پس باید حقوق او در جایگاهش رعایت شود و زن نیز همسر و مادر خانواده است و باید حقوق او نیز در هر دو جایگاه محفوظ باشد.

فرزندان باید پدر را در جایگاه پدری باور کنند و مادر را نیز در جایگاه مادری باور کنند. همسران نیز باید موقعیت یکدیگر را در نظر داشته باشند. در خانواده قرآنی، پدر سالاری، مادر سالاری و فرزند سالاری معنا ندارد. همه تابع حق‌اند و عدالت.

قرآن در سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «مردان سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری‌هایی که از اموال ایشان می‌کنند...» (النساء، ۳۴) این آیه و نظایر آن هرگز دلیل و نانه برتری انسانی و فضیلت معنوی مرد بر زن نیست. آنچه در باب تفاوت افراد بیان شده این است که اولاً باید زندگی به نحو مطلوب اداره شود، ثانیاً تا هماهنگی بین افراد و طبقات متفاوت ایجاد نگردد، زندگی به خوبی اداره نمی‌شود. توانایی مرد در مسایل اجتماعی و امور اقتصادی و تأمین نیازهای منزل و اداره زندگی بیشتر است و علاوه بر این، تأمین هزینه زن را هم به عهده دارد. بنابراین سرپرستی و اداره منزل به عهده مرد است و این به معنی افضل بودن نیست.

مدیریت مرد مؤمن در محور اصول خانواده است و مدیریت با دستور الهی و براساس آیین نامه خدایی و غیر از زورگویی و دیکتاتوری است. گاهی هم به صلاحدید هر دو طرف این مدیریت متغیر است، یعنی اداره خانه به عهده زن است یا حتی مرد خانه از او اطاعت می‌کند. همه اینها در حدود دین و احکام دینی است.

۴-۵- توجه به نیازهای خود

شناخت حقوق و وظایف در رشد و تعالی همسران و ایفای مسئولیت‌شان نسبت به غیر، بسیار مؤثر است. زن و مرد باید علاوه بر اهتمام به نقش‌های خویش، تأمین خواسته‌ها و نیازهای خود را نیز جزو عوامل تحکیم و تعالی بخش خانواده قلمداد کنند. عبادت، کسب کمالات معنوی و اجتماعی،



کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

آذرماه ۱۳۹۵ - تهران

سلامتی جهانی و روانی، تفریح، ورزش، محضر، ارتباط منطقی با خانواده و نزدیکان و... همه باید در دستور کار زن و مرد به طور منظم و متمرکز وجود داشته باشد. نادیده گرفتن این نیازها یک نوع کاستی در خانواده است و در دراز مدت بر روابط خانواده اثر سوء دارد.

۴-۶- تأثیر اخلاق در استحکام خانواده

«خُلُق عبارت از شکل درونی انسان است، چنان که خلق شکل ظاهری اشیاء است. غریزه، ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان است اخلاق نامیده می‌شود و به اعمالی که از این خلقیات ناشی گردد، نیز اخلاق می‌گویند.» (مه‌دوی کنی، ۱۳۷۱: ص ۱۳)

رابطه اخلاق و خانواده، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و الزامی است. استواری و محکم بودن خانواده‌ها، حاصل پای بندی‌های اخلاقی اعضای آن و پرهیز از کج خلقی است.

۴-۷- همکاری و مشورت با یکدیگر

همکاری با خانواده باید در چارچوب آیین خدا باقی بماند و وسیله فساد، رشوه و غصب حقوق و اشاعه فحشا نگردد.

مهم‌ترین عاملی که سبب تفاهم و همکاری اعضای خانواده می‌گردد، وجود روحیه مشورت در خانواده است که در عین ایجاد خانواده‌ای مستحکم و صمیمی، بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی نیست هست، چنان که مولی علی (ع) فرمودند: «ولا ظهیر کالمشاوره» (هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست). (نهج البلاغه، ج ۴، ص ۵۴)

۴-۸- حسن معاشرت

از ویژگی‌های انسان تمایل و نیاز او به معاشرت است و از معاشرت جز محبت دیدن و محبت ورزیدن انتظار ندارد؛ چرا که خلقت انسان براساس عشق و محبت است و همین بهترین انگیزه او در هر گونه تلاشی است.

خداوند رفتارها و برخوردهای صحیح انسانی در خانواده را با «حسن معاشرت» معرفی می‌کند و از مرد و زن، رعایت آن را با میزان «معروف» یعنی رفتاری پسندیده و انسانی می‌خواهد.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، معروف را به معنای «هر امری که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و آن را انکار نکنند.» معرفی می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۴۰۴)

حسن معاشرت در خانواده، در دو محدوده حرف‌های حقوقی و دستورالعمل‌های اخلاقی تعیین می‌شود. «تعبیر حسن معاشرت که به عنوان یک وظیفه برای شوهر و یک حق برای زن مطرح می‌شود و عامل تحکیم زندگی خانوادگی است، اگر به خوبی باز شود، نشان دهنده تمام آن اموری است که مرد در برابر زن باید انجام دهد. در «نقشه» همه نیازمندی‌های جسمی زن باید تأمین شود و در «حسن معاشرت» همه نیازمندی‌های روحی او.» (بهشتی، ۱۳۶۱: ص ۱۵۳)

۴-۹- توجه به جایگاه خانواده

درک موقعیت و جایگاه خانواده از سوی اعضاء، اولین گام در تنظیم روابط است. هر یک از افراد باید به هدف اصلی خانواده که سکونت اصلی آن است، توجه داشته باشد و در جهت تأمین آن تلاش کند و خواسته‌ها و توقعات خود را به سمت آن هدف سوق دهد.

نگاه قرآن به خانواده، نگاه به چند نفر که قصد همزیستی زیر یک سقف را دارند نیست، قرآن خانواده را نظامی جامع و در مسیر کمال می‌بیند. آیه ذیل به این ویژگی خانواده مؤمن اشاره دارد:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان، ۷۴) «و کسانی که می‌گویند، پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان ما باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.»

در پایان آیه که می‌فرماید: «واجعلنا للمتقين اماماً» دعایی بسیار متعالی برای جمع خانواده می‌کند و نمی‌فرماید: «واجعلنی للمتقین اماماً» و امامت و رهبری امت را برای خود و اهل بیت خود می‌خواهد. در حقیقت یک مؤمن با یک برنامه دراز مدت، خود و خانواده خود را تربیت می‌کند تا به عالی‌ترین مرتبه از بندگی یعنی جایگاه عبادالرحمن - مؤمنین ممتاز - دست یابد. (حسینی، ۱۳۸۳: ص ۸۱-۴۶)

۴-۱۰- آشنایی کامل اعضای خانواده با حقوق و وظایف خود

اعضای خانواده نسبت به هم حقوق و وظایفی دارند که به شرح ذیل است:

الف) حق و وظایف زن و شوهر نسبت به یکدیگر

حفظ از انحراف:

خداوند در یک کلام حق و وظیفه زن و شوهر را روشن نموده است: «... هنّ لباس لکم و انتم لباس لهن...» (آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها) (و هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). (بقره، ۱۸۷)



کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

آذرماه ۱۳۹۵ - تهران

لباس از یکسو، انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می‌کند و از سوی دیگر، عیوب او را می‌پوشاند، و نیز زینتی است برای تن آدمی. دو همسر یکدیگر را از انحراف‌ها حفظ می‌کنند، عیوب هم را می‌پوشانند، وسیله راحت و آرامش یکدیگرند و هر یک زینت دیگری محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۵۴، ج ۱: ۷۳۳)

مهرورزی:

امام سجاد در مورد ضرورت مهرورزی به همسران چنین فرمودند «حق همسرت آن است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه سکون و همنشینی تو قرار داده است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر تو است. پس او را گرمی بدار و با او با وفق و مدارا برخورد نما و هر چند حق تو بر او بیشتر است، اما حق او بر تو این است که با او مهربانی کنی.»

توجه به ظرایف روحیات همسر:

یکی از عوامل استحکام بخش پیوندهای مودت میان زن و شوهر این است که طرفین بتوانند حالات و روحیات یکدیگر را درک کنند. شاید هیچ عاملی به اندازه درک متقابل روحیات در زندگی خانوادگی، نمی‌تواند آرامش بخش و سازنده باشد. مهم‌ترین عامل و سبب محبت نیز معرفت است (فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۸-۷، ص ۲۰۱) و درک روحیه و شناخت ابعاد وجودی همسر، از تجلیات معرفت به اوست.

سازگاری با همسر:

یکی دیگر از عواملی که سبب تحکیم بنیان خانواده می‌شود، این است که زوجین با یکدیگر توافق و سازش اخلاقی داشته باشند. مسلم است که وقتی زن و شوهر در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و در جمیع شئون زندگی، با یکدیگر شریک می‌شوند، گاه اختلاف سلیقه‌هایی پیدا می‌کنند. برای آن که این اختلاف‌ها، اساس زندگی مشترک را خدشه‌دار نسازد، باید به فرایندی جهت سازش و توافق توسل کرد. در طی این فرایند، هر یک از زن و شوهر از بعضی امیال، خواست‌ها و سلیقه‌هایشان برای احترام به نظر همسر خود، چشم‌پوشی می‌کنند.

صبر و پایداری زندگی:

فوری‌ترین و شایع‌ترین واکنش در برابر حوادث ناگوار و ناخوشایند، بی‌تابی کردن است. بی‌تابی و بی‌طاقتی مصیبت و مشکلات انسان را افزون می‌کند. امام کاظم (ع) فرمودند: «المصیبه للفنا بر واحده و للجازع اثنتان» «مصیبت برای شخص بردبار یکی است و برای شخص بی‌قرار دوتا» (حرآنی، ۱۳۶۳: ۴۱۵) در قرآن نیز به صبر و بالا بردن سطح مقاومت بارها سفارش شده است: «و استعینوا بالصبر و الصلاه» قرآن علاوه بر این، الگوهای صبری چون یعقوب، ایوب و پیامبر گرامی اسلام (ص) را نیز معرفی می‌نماید.

برخورداری از روحیه عفو و گذشت و تقویت آن:

گذشت عاملی مؤثر در ایجاد و تقویت دوستی‌هاست. گذشت و بزرگواری‌ها از ایمان و تقوای اعضای خانواده سرچشمه می‌گیرد، چرا که امام سجاد (ع) فرمودند: «لاکرم الا بتقوی؛ بزرگواری جز به پرهیزگاری نباشد.» وجود صداقت در فضای خانواده:

بی‌صداقتی ابتدا روح و شخصیت خود فرد را تخریب می‌سازد و سپس به خانواده و آن جامعه‌ای که شخص در آن مقیم است نیز زیان وارد می‌کند. امام باقر (ع) می‌فرماید: «پدرم، امام سجاد (ع) می‌فرمود: «از دروغ، کوچک و بزرگش، بپرهیزید؛ زیرا وقتی انسان در امور کوچک دروغ بگوید، بر دروغ بزرگ هم جرأت پیدا می‌کند. آیا نمی‌دانید که پیامبر (ص) می‌فرمود: اگر انسان همیشه اهل صدق و درستی باشد، خداوند می‌نویسد او صدیق است و اگر انسان اهل کذب و دروغ باشد، خدا می‌نویسد، او کذاب است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۳۹ و ۳۴۰)

مدیریت و برنامه ریزی صحیح در خانواده:

خانواده به عنوان واحد کوچک اجتماعی نیازمند رهبری واحد است که قرآن روی سرپرستی مرد تأکید دارد و می‌فرماید: «الرجال قوامون علی النساء، مردان سرپرست و نگهبان زنانند.»

رعایت اخلاق نیکو و ادب و احترام:

دارا بودن اخلاق خوش یکی از اصول بسیار مهم و سرنوشت ساز در حیات انسان‌ها است. خوش اخلاقی در محیط زندگی نه تنها انسان را از انواع نگرانی‌ها و تشنجات عصبی مصون می‌دارد، بلکه عامل بسیار مؤثری برای پیروزی بر مشکلات و دشواری‌هایی است که برای انسان پیش می‌آید. یکی از رموز موفقیت در زندگی مشترک این است که در پاره‌ای از مسائل جزئی، فراست و دقت نظر اعمال شود. چنان که صدا کردن همسر، یک امر روزمره در زندگی خانوادگی است؛ در صورتی که این خطاب، احترام آمیز باشد، پژواکی از محبت و صمیمیت را در پی خواهد داشت.



دین اسلام در زمینه احترام و محبت زن و شوهر نسبت به هم و رعایت حقوق یکدیگر بسیار سفارش نموده است، چنانکه امام باقر(ع) می‌فرمایند: «هر کس زن گرفت باید او را گرمی بدارد و به او احترام کند.»

رازداری و وفاداری:

وفاداری از شروط همسری و عضویت در خانواده است و رازداری هم یکی از مهم‌ترین شروط وفاداری همسر است که در آیه: «و اذ أسرّ الی بعض ازواجه حدیثاً فلما نبأت به و اظهره الله علیه عرف بعضه و اعرض عن بعض فلما بناها به قالت من انبأک هذا قال نبأنی العلیم الخبیر» بدان اشاره شده است.

وفاداری اعضای خانواده سبب ایجاد صمیمیت و محبت می‌گردد و نیز سپری است محکم در برابر مشکلات و سختی‌ها و پشتیبانی است پایدار جهت استحکام بنیان خانواده.

ب) حق والدین بر فرزندان

امام سجاد(ع) در رساله حقوق خود، حق پدر و مادر بر فرزندان را این گونه بیان می‌فرماید: حق مادرت این است که بدانی او تو را حمل کرده آن گونه که کسی، کس دیگر را حمل نکند و از شیر جانش تو را خوراند آن گونه که کسی دیگری را نخورد، و به راستی او با گوش و چشم و دست و پا و مو و پوست و تمام اندامش تو را نگهداری کرده و از این نگهداری خشنود و شاد بوده است و هر ناگواری و رنج و سختی و نگرانی را تحمل کرده تا اینکه دست قهر [طبیعت] را از تو دور سازد و تو را به دنیا آورده و آن گاه خشنود بوده که تو سیر باشی و او گرسنه باشد، تو پوشیده باشی و او برهنه ماند، تو را بنوشاند و خود تشنه ماند، تو را در سایه دارد و خود در آفتاب باشد، با تنگنایی خویش به تو نعمت بخشد، با شب بیداری تو را شیرین خواب چشاند، گرم و سرد دنیا را برای تو و بخاطر تو به جان خریده پس به اندازه این همه [تلاش مادر] سپاسش دار و جز به یاری و توفیق خداوند، تو را یاری آن سپاس داری نباشد، حق پدرت این است که بدانی به راستی او ریشه توست و تو شاخه اوئی و چون او نبود تو نیز نبودی، پس هرگاه در خویش چیزی دیدی که پسندیده آمد پس آگاه باشد که این نکویی در تو، ریشه در پدرت دارد پس خدای را ستایش نما و به اندازه آن نکویی، سپاسش دار و لاقوه الله بالله.

ج) حق فرزندان بر والدین

امام سجاد(ع) در این مورد نیز در قالب رساله حقوق فرمودند: «حق فرزند تو این است که بدانی او از توست و در پسند و ناپسند دنیای زودگذر، دنباله روی توست و به درستی که تو در تربیت نیکو و راهنمایی به سوی پروردگارش و یاری رسانی او در فرمان پذیری از خداوند، نسبت به خویشتن و حق فرزندت پرسیده خواهی شد پس [اگر وظیفه ات را به انجام رسانی] پاداش گیری و چون [کم کاری کنی] بازخواست شوی. پس کار فرزندت را چونان کسی که کارش را در این سرای زودگذر با نیکو ثمری بیاراید، انجام بده و در روابط تو و فرزندت به سبب نگهداری خوب و ثمر الهی که از او گرفته‌ای نزد پروردگار، عذرت پذیرفته باشد و لاقوه الله بالله.»

د) وظیفه هر یک از زن و مرد نسبت به خانواده

خداوند در آیات سوره تحریم روی سخن را به همه مؤمنان کرده و دستورهایی را درباره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آنها می‌دهد؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ... ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیضم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید...» (التحریم، ۶)

۵- الگوی خانواده مستحکم از نظر اسلام

از دیدگاه اسلام، آدم خوب همانند هر فرد خوب، نمونه جامعه اسلامی است و جامعه برین باید از اینها الگو بگیرد نه اینکه جوان خوب، نمونه جوانان و مردان مسن خوب، نمونه مردان مسن هستند و زنان خوب نمونه زنان و «اگر انسانی وارسته شد، الگوی دیگر انسان هاست. اگر مرد است، الگوی مردم است ز مردان و اگر زن باشد، باز الگوی مردم است نه زنان.» (جوادی، ۱۳۷۵: ص ۱۵۳)

در اسلام برای تشکیل خانواده، استانداردهایی معرفی شده است. هر قدر ارکان تشکیل دهنده خانواده با آن استانداردها منطبق باشند به همان مقدار از شایستگی، برتری و استحکام برخوردار خواهند بود.

ملاک برتری از نظر اسلام، مال و ثروت و مانند آن نیست که کسی به آنجا ببالد. برتری خانواده به انطباق آن با استانداردهای اسلامی و برخورداری از ویژگی‌های ارزشی و فضیلت هاست، برخی از این فضیلت‌ها که موجب سلامت و استحکام خانواده می‌شود عبارتند از:

۱) رعایت و پایبندی به موازین شرعی

زندگی ایده آل در عبودیت و بندگی خداوند است و عبودیت اطاعت کامل از امر و نهی و دستورات الهی و عمل کردن به آن حالات که موفقیت در کسب زندگی ایده آل را در پی خواهد داشت. انجام واجبات و ترک محرّمات، رعایت حلال و حرام و پیروی از الگوهای دینی و همچنین توکل به خدای بزرگ و توسل به انبیاء و اولیاء الهی سبب تحکیم بنیان خانواده می‌شود.



۲) منش آرام و بی‌تکبر

«بندگان خاص خداوند رحمان کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر روی زمین راه می‌روند.» در واقع، نخستین توصیف «بندگان خاص» خداوند، نفی کبر و غرور و خودخواهی است که در تمام اعمال انسان، حتی در کیفیت راه رفتن او آشکار می‌شود.

۳) قناعت و دوری از اسراف

قناعت در اصطلاح به معنای، بسنده کردن به قسمت خویش و خشنود بودن آمده است. قناعت ابعاد وسیعی دارد که یکی از نمودهای آن قناعت مالی و اقتصادی است. قناعت در زندگی باعث می‌شود تا انسان نسبت به داشته‌های خود راضی باشد و در راستای شکر برای داشتن آنها اقدام کند.

قناعت باعث سکون روحی و عدم ایجاد خصلت‌ها و حالات مخرب دنیوی و اخروی همچون، حرص و ولع، دنیاطلبی و یا حتی استرس و فشار خون و هزاران بیماری امروزی که ناشی از رفتارهای روحی و روانی‌اند می‌باشد.

امروزه ثابت شده است که منابع روی زمین - با توجه به جمعیت انسان‌ها - آنقدر زیاد نیست که بتوان اسراف کرد و هر اسراف کاری سبب محرومیت انسان‌های بی‌گناه خواهد بود. به علاوه روح اسراف، معمولاً توأم با خودخواهی، خودپسندی و بیگانگی از خلق خداست. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۵۴: ۱۵۴-۱۴۶)

۴) ساده زیستی

ساده زیستی و زهد یکی از فضائل اخلاقی است که مورد تشویق و ترغیب آیات قرآن و روایات اهل بیت(ع) است. انسان‌های ساده زیست اگرچه خود می‌توانند با استفاده از نعمت‌های پروردگار زندگی بهتری را برای خویش فراهم سازند، اما از آنجا که دلبستگی به زخارف دنیوی ندارند دیگران را بر خود مقدم نموده و خود به اندکی از مال دنیا اکتفا می‌کنند. «ویؤشرون علی انفسهم ولو کان بهم خصائصه» پیامبر اسلام(ص) در توصیف زاهدان می‌فرماید: زاهد دوست دارد آنچه را که خدا دوست دارد و دشمن دارد آنچه را او دشمن دارد، از حلال دنیا اجتناب کرده و به حداقل اکتفا می‌کند و به حرام آن اعتنائی ندارد.»

۵) ترس از کیفر الهی

بندگان خاص خداوند خوف و ترس از مجازات و کیفر الهی دارند. «آنها کسانی هستند که پیوسته می‌گویند: پروردگارا عذاب جهنم را از ما بر طرف گردان که عذاب آنان سخت شدید و پر دوام است.»

۶) عفو و گذشت

بهترین و زیباترین روش در تقویت بنیان خانواده توسل به عفو و گذشت و بردباری در مقابل خطاهای اعضای خانواده بویژه زن و شوهر نسبت به همدیگر است. رسول خدا(ص) فرمود: عفو و گذشت را از عادات روزمره خود قرار دهید زیرا که عفو موجب عزت و سربلندی هر بنده‌ای است پس عفو کنید تا خداوند شما را عزیز و بلندمرتبه گرداند.

۷) حلم و بردباری

در قرآن به دفعات به صبر و بالا بردن سطح مقاومت سفارش شده است: «و استعینوا بالصبر و الصلاه...: از صبر و نماز یاری جوید...» (البقره، ۴۵) آموزه و توصیه اسلام و قرآن در عرصه‌های زندگی پرغوغا و پرآشوب، کسب صفات ایمان در برابر کفر و بی‌دینی، عمل و کار نیک در برابر بی‌عملی و بی‌تقوایی و صبر و مقاومت در برابر مشکلات و مصایب است.

۶- نتیجه گیری

انسان همواره به شناخت آنچه در طول زندگی با آن در ارتباط است نیاز دارد. از مهم‌ترین آنها خانواده است که نحوه تشکیل و بقای آن نقش مهمی در سعادت‌مندی افراد، جوامع و ملت‌ها دارد و لذا باید در تحکیم بنیان‌های خانوادگی بسیار کوشید. عوامل فراوانی در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند که در این مقاله به مهم‌ترین آنها پرداخته شده است؛ از جمله:

- ازدواج و درست بودن مقدمات ازدواج
 - حسن معاشرت در خانواده که در دو محدوده مرزهای حقوقی و دستورات عمل‌های اخلاقی تعیین می‌شود.
 - توجه به جایگاه خانواده از سوی اعضا که اولین گام در تنظیم روابط است.
 - حفظ حرمت و شخصیت افراد، در گرو احترامی است که در برخوردها از انسان ظاهر می‌گردد. رعایت این مساله خصوصاً از سوی کسانی که با هم انس و الفت دارند باعث استحکام دوستی و گرمی روابط خواهد شد که بارزترین مصداق آن خانواده است.
- از عوامل دیگر تحکیم بنیان خانواده می‌توان موارد زیر را نام برد: صبر و بردباری در زندگی، روحیه عفو و گذشت، حاکمیت صداقت در فضای خانواده، رازداری و وفاداری، مشی آرام و بی‌تکبر، حلم و بردباری، ترس از کیفر الهی، دوری از اسراف و رعایت قناعت.



۷- مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] نهج البلاغه
- [۳] بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم: انتشارات طریق القدس، ۱۳۶۱.
- [۴] جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۵.
- [۵] حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
- [۶] حسن زاده، صالح، «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»، پژوهش نامه معارف قرآنی، شماره ۲۲، صص ۶۸-۴۵، ۱۳۹۲.
- [۷] حسین، اکرم، «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۶، صص ۸۱-۴۶، ۱۳۸۳.
- [۸] دشتی، محمد، نهج الحیاه، قم: موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین(ع)، ۱۳۷۵.
- [۹] ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش، ۱۳۷۹.
- [۱۰] طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
- [۱۱] فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: بدر، ۱۳۶۳.
- [۱۲] فیض کاشانی، محسن، محجه البیضاء، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- [۱۳] قنادان، منصور، جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، تهران: آوای نور، ۱۳۷۵.
- [۱۴] کلینی، محمد، اصول و فروع کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- [۱۵] مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: منشورات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴.
- [۱۶] مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.